



نیمه هفتی طنز راه



داود افرازی



روایت هفته

منفی بیست

دیگر به کلید و شیخ امیدی نیست! شدنمره! قتل‌اشان منفی بیست! سردار سیاست‌هم استعفا کرد! این بار گرانی، توپوگو گردن چیست؟

زاده‌شد

زن‌ناوین

هر کس که به ابدیای کزی خوش‌بین است تر خوب خوش‌است و خوب! و سنگین است! فرجام «فای ای تی اف» از او چون برسی گوید که جواب من زن‌ناوین است!

مهدی امام‌زاده‌ای

دم عید

دم عید است و با این جیب خالی چه قیمت ها شده حالی به حالی ز قیمت بر سرم ریزم! زمن هست به فکر کیف و کفش و تیپ عالی

احمد ارسلانی

فلاپی جیب

الا اچیل جابوش کرده در لیست! خربدت در توام هست؟ نه نیست! بهایت هاردار اکسترال! گوشتست ولی ظرفیت جیبم فلاپی است!

مینا گودرزی

فرهادو مجیدو

شنانان می‌روی سوی کجاپو؟ بکن ترمز، نکش در جاده لایوو به فیلمی گشته‌ای رسوای عالم مکن کاری که بر پا سنگت ایو

مینا گودرزی

آمپاس نیوز

عقلش شده مه‌قد نخود، عقل کل در رفته از آن کوره خود، عقل کل خود را زده بدجور به جاده خاکی با سپید و شمت و شش متد، عقل کل

مینا گودرزی

پسته گریان!

با کله در پستر از زز مردن از مملکت، ارز و سکه بیرون بردن جایش دو سه تن کود خفن آوردن بتوان، نتوان پسته‌ی خندان خوردن!

فرشته موسوی

تدائیر ز نوناوینی

بس که تدبیر از میان دست او سر بریز کرد
واژه امید، خود را زود حق ایلز کرد
شیخمان چون دکترا دارد، برای اقتصاد خورند روزی سه وعده، «وعده» را تجویز کرد
کاش با معنای دیوار تدائیرش رود
هر کسی این خانه را اینگونه «سلطان» خیز کرد
از چراغ جادویش غول گرانی ول شده
با جلیلی از زوهای مرا تعویض کرد
توی این اشتباه‌گزار، مرغ هم عشق جیب ملنی را خوب انایز کرد
انقدر خوب و صعودی گشته ترخ اشتغال
اشغال از فرط شادی دست در «پیریز» کرد
ناگهان برق سه فاز از کله ملت پرید
تا حسن خود را به «خندانندگی» تعجیز کرد
هر کسی جو کهای شیرین و معشاش را شنید
قد خوشی بیکو با رفت و دیالیز کرد
در همین بیت یکی مانده به آخر شعر را
تدائیر ز نوناوینی‌اش لیریز کرد
جاده باریک مشکل‌هایمان را دولتش
در تم عمرانی پیچیده‌ای تعریض کرد

کلمات مظنازر

۱- تم این مهمانی پتوی گل‌گلی با شلوار برمدا است-
بخشی از بدن که کل فعل و انفعالاتش را می‌دارد دم مهمانی‌های مهم
۲- سطح آرزوی گوسفندان از صندلی جلوی وات به کابین وی‌ای بی‌ان ارتقا یافته است- ترکیبی نخوردنی از موز
۳- ورزش بود- جایی که آدم‌های توی فیلم‌های ماه رمضان می‌روند
۴- مرغ له و لورده سرخ شده- وقتی آدم می‌خواهد به خودش فحش بدهد
۵- شهری در آلمان به نام مخ- از معیارهای جدی ازدواج، داشتن آن است- هم «جنگ» و هم «هست»
۶- اسم یک بیماری است که با مالیدن خوب نمی‌شود- هنوز جای کادوهایش خوب نشده که باید کادوی روز زن بدهند
۷- عقل کل آبریان- به همین آچار پنج‌گوشی خودمان می‌گویند
۸- به‌هم‌جایی‌گفته‌می‌شود که آدم می‌تولد یا پیرانه‌راه
۹- تصویری که در جدول می‌بینید
۱۰- دهان به عربی- به‌جای مبارک باشد می‌گویند
۱۱- تنها جایی که از انتگرال استفاده کردیم محاسبه آن است- شهری...
۱۲- الفبای موسیقی- از حواس- از آلات قتاله
۱۳- رفیق شهیدی- مثل ژله در حال لرز است- حرف گرچیدن
۱۴- علاقه‌مند به ته‌سیگار- حرف مغفولی- وسیله‌ای برای هدایت افراد از رختخواب به مستراح
۱۵- نوسنده کتاب درآمدی بر سیاست خارجی احمدی‌نژاد

محمد کوره پنز

سیب و گلابی‌های ترکمانچای!

حمایت روسیه از ولیعهدی عباس میرزا: نمود اقتدار یعنی همین. ما گفتیم عباس میرزا که پسر شاه است باید ولیعهد شاه باشد! آنها هم گفتند باشد! (به لحظه فکر کن نمی‌گفتی باشد! اون وقت می‌شود با گفت‌وگو و من بصریم تو بصری ابرقدرتها راه به پذیرش حقوق مان وادار کنیم. نمونه‌اش همین قرارداد ترکمانچای خودمان! به بعضی ندهای این معاهده توجه فرمایید.

ده کرور تومان غرامت جنگی:

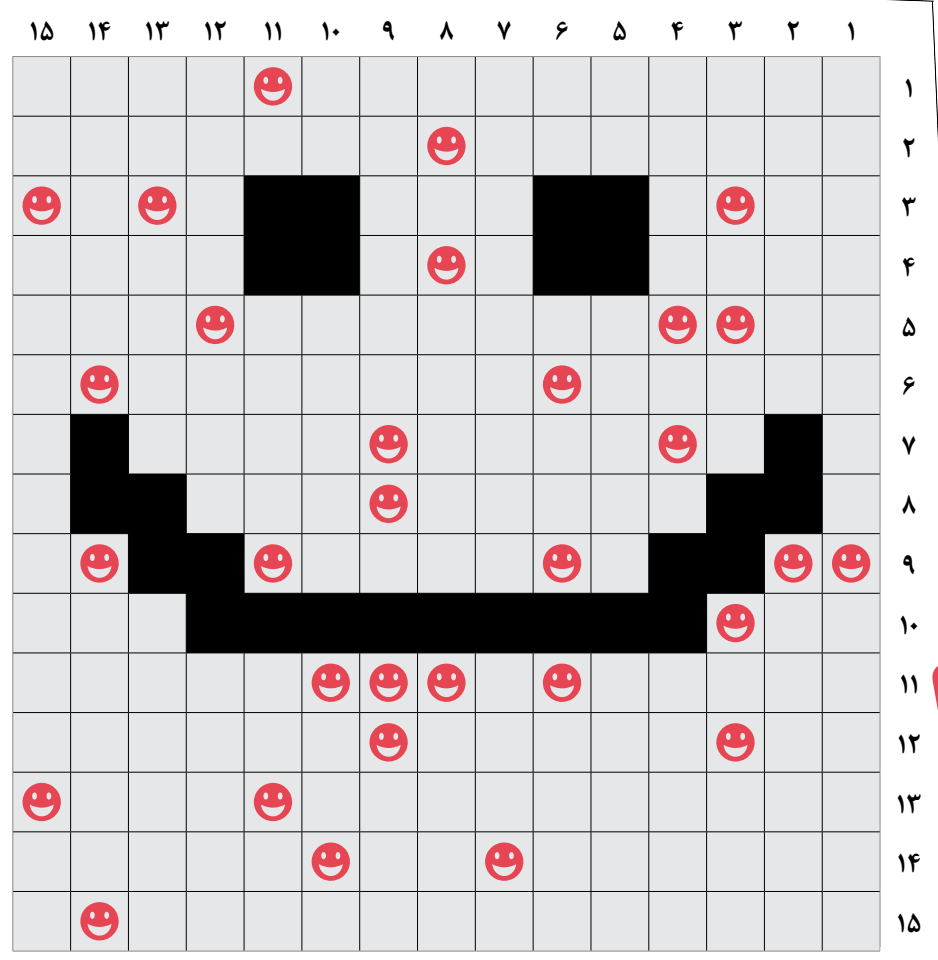
ده کرور می‌کند به عبارتی پنج میلیون تومان که الان اصلا پولی حساب نمی‌شود. شما ماهی ۵ میلیون حقوق بگیرید رسماً زیر خط فقر تشریف دارید و باید قید سبب و گلابی‌های بعد از ترکمانچای... ببخشید... میوه شب عید را بزنید.

کرجستان و آذربایجان:

بعد از این‌همه امتیازاتی که نوتس‌بش با مذاکره از دشمن بگیریم، یک سری تنبیهات خاصی هم لازم بود تا حساب کار، درست و درمان دستشان بیاید. لذا ده پانزده تا ایالت شمال غربی کشور را که روی کول نقشه ایران سنگینی می‌کرد برای مدت صد سال دادیم دستشان که بفهمند مملکت داری یعنی چی.

تازه همه اینها به کنار، باید رفت بگویم که در همان مقدمه قرارداد، فتحعلیشاه قاجار را به جای اینکه برای رسیدگی گرفته شود، اما تیزبینی مستولان وقت باعث شد این ولیفیه -به زبان خوش- به خودشان محول شود.

ایران! نامیدند! (اشک تو چشمم جمع شد خداییش!)



عمودی:

۱- این سخن از اوست «حسود هرگز نپاسود»- مکتبی که خود صاحبش هم الان قضیه را گردن نمی‌گیرد
۲- نماد راندگی- محلی برای استراحت، تفکر، آزادی بیان و...
۳- آخرین توان و رمق- آینده جوده ارشد زشت- خانه خارجی‌ها
۴- پست بانک ایران- کاری که باید با معما کرد- ورود به گروه
۵- از حروف انگلیسی- وقتی جرات نداری مستقیم حرف بزنی- آدم‌های کبلی را به آن تشبیه می‌کنند
۶- پایتخت ایتالیا- برعکس پایتخت ایتالیا- سالم نیست
۷- ورزش شیک و لاکچری در نصف به بالای فیلم‌های خارجی- بیکجور شدیدی از شست‌وشوی مغزی
۸- آرزوی بعدی گوسفندان داشتن این شغل است- کلی چیز در آن ذخیره می‌کنی، بعد بهیو از دست
۹- الفبای موسیقی- از حواس- از آلات قتاله
۱۰- دهان به عربی- به‌جای مبارک باشد می‌گویند
۱۱- تنها جایی که از انتگرال استفاده کردیم محاسبه آن است- شهری...
۱۲- الفبای موسیقی- از حواس- از آلات قتاله
۱۳- رفیق شهیدی- مثل ژله در حال لرز است- حرف گرچیدن
۱۴- علاقه‌مند به ته‌سیگار- حرف مغفولی- وسیله‌ای برای هدایت افراد از رختخواب به مستراح
۱۵- نوسنده کتاب درآمدی بر سیاست خارجی احمدی‌نژاد

ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

با ما تماس بگیرید! info@rahrahtanz.ir
شوش: tanzym_ir
ایران: tanzym_ir
ایران: tanzym_ir

مهدی پیر هادی (سپیدار)

گوشت دیپلماسی

ز فشار زندگی، شلوار دامن می‌شود
دبی از سگ باشد، شکل روغن می‌شود
زیر بار دخل و خرج خانه می‌زاید پدر
با چنین زاینده‌ای هر مرد هم زن می‌شود
کارت ملی توی دستم توی صف دنبال گوشت
ز همین جا ارزش پاسپورت، روشن می‌شود
گوشت می‌خواهی سر صف مثل سوپرمن بپر
چون زن همسایه فوراً مثل یخسوز می‌شود
هر که افتاده ته صف زود می‌زد جلو
عنه من یا که شوهر عمه من می‌شود
یک نفر پشت سرم می‌گفت دکتر گفته است
هر کسی این گوشتها را خورد، کوفن می‌شود
باز گفت این گوشتها از کوا پیر و مرد نیست
تا پریزی در غذا مانده آهن می‌شود
گفت می‌دانی که این حجم فروش گوشتها
باعث خوابیدن بازار مسکن می‌شود!
باعث افزایش نرخ تورم می‌شود
باعث تقویت نیروی دشمن می‌شود!
گفت با این دیپلماسی گوشت آرزای می‌شود
گفتش با دیپلماسی! آره ختما می‌شود
هم نمک آدم جل جایی مرا در صف گرفت
آدم امروزه برای گوشت، مخ زن می‌شود

رسول شاکرین

کی چی گفت؟

بعد از استعفا یک شبه ظریف، چند واکنش جالب به آن را جمع کردیم اینجا:

علی مطهری:

حالا که ظریف استعفا کرد، من بار دیگر خواستار رفع حصر هستم.

سردبیر روزنامه شرق:

وزارت ظریف تضمین است.

روزنامه کیهان:

نفر بعدی، روحانی!

عبدالصادقی:

متن استعفا آقای ظریف در اینستاگرام با گوشه آیفون نوشته شده بود و این نشانه‌ای از تحمل‌گرایی ایشان بود و برای سوریه نشدن ایران، باید جلوی کیشن نویسی با گوشه آیفون ایستاد!

محمود صادقی:

پشت در یکی از تونلهای وزارت خارجه دلیل استعفا ظریف را به رفع حصر نوشته بود.

بابت استعفا آقای ظریف هیچ تگرانی‌ای وجود ندارد، ایشان بیمه بودند.

سرکرده داعش:

اصلا استعفا ظریف هم کار ما، ما گردن می‌گیریم.

قاضی زاده هاشمی:

ظریف استعفا داده؟ خودتون بوزیرید!

عارف:

اسکوت کرده و به دوربین خیره می‌شود!

غلامعلی حدادعادل:

با توجه به بیگانه بودن جمله «استعفا آقای ظریف»، بنده پیشنهاد می‌کنم که جمله «شاه خالی کردن از پاسخ به مردم آقای نرهم» جایگزین این واژه شود.

علی لاریجانی:

می‌خواهی استعفاشو بده بیست دقیقه‌ای تصویب کنیم بره!

رئیس دولت:

ما ز عبور از رکود، درس استعفا جول گرفتیم.

مصدق تاجزاده:

این حال حسن کردن سر انگشت خود برای سنجش جهت باد است!

محمدجواد آذری جهرمی:

داجا! آجیله، به خبر مهم دارم در مورد دیدی ظریف، بهم متشن بدید بدیه اون خبر، میام تو توپیبت بعدی میگم خبر چیه، بوج.